

هتل سفير قسم طعمه حريق شد. به گزارش ایستار، رئیس اداره آتش نشانی سازمان منطقه آزاد قشم در این خصوص گفت: این آتش سوزی در ساعت ۲۰:۳۰ بامداد دیروز به علت رعایت نشدن موارد ایمنی و چوبی بودن ساختار داخلی رخ داده و در زمان کوتاهی آتش به تمام بخش های داخلی سرایت کرده است. وی بایان این که این هتل در سه طبقه و ۱۱ اتاق به طور کامل در آتش سوخت، خاطر نشان کرد: این حادثه به علت تعطیلی هتل خسارت جانی نداشت.

#### از میان خبر ها

## نگهبان درستکار، ۳۲میلیارد تومان را به صاحب اش بازگرداند

**ساجدی** - نگهبان یک مجتمع تجاری که زیر نظر موسسه حفاظتی مرا اقبیتی ثمین حافظ مشهد فعالیت می کند، مجتمع داد. در ادامه صاحب کیف که زنی زائر اهل نجف اشرف بود، شناسایی شد و کیف پولش را که ۳۲ میلیارد تومان ارزش داشت، تحویل گرفت.

به گزارش خراسان، این نگهبان وظیفه شناس کیف پول را در مجتمع تجاری محل خدمت خود پیدا کرد و تحویل مدیر مجتمع داد. در ادامه صاحب کیف که زنی زائر اهل نجف اشرف بود، شناسایی شد و کیف پولش را که ۳۲ میلیارد تومان ارزش داشت، تحویل گرفت.

## کشف ۱۸۲ تن انواع مواد مخدر در کرمان

**توکلی** - فرمانده انتظامی استان کرمان از کشف ۱۸۲ تن انواع مواد مخدر طی سال گذشته ونیمه نخست امسال خبر داد و گفت: در همین مدت ۲۳ شرور مسلح حذف شده اند که این موضوع سبب ارتقای امنیت خواهد شد. به گزارش خبرنگار ما، سر دار بنی اسدی فر افزود: کرمان در سال های ۹۵ و ۹۶ و همچنین امسال رتبه اول را در هفته ناجا در کشور کسب کرده است. همچنین در ناجا از لحاظ امنیتی رتبه مطلوبی دارد. وی با بیان این که استان کرمان، استانی ثروتمند و بهشت معادن ایران است، خاطر نشان کرد: ولی در جنوب استان ما با مشکلاتی مواجه هستیم که پلیس با همه توان می کوشد امنیت مردم را در گوشه گوشه استان فراهم کند.

## سرباز معلم قربانی اختلاف طایفه ای شد

مدیر روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان گفت : عمران زارعی سرباز معلم مقطع ابتدایی مدرسه آزادی سردگان شهرستان سرباز در جنوب این استان صبح روز چهارشنبه به علت اختلاف طایفه ای به قتل رسید. علی مرادی در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: این معلم به علت اختلافات خانوادگی و طایفه ای در منطقه «حیط سرباز» به ضرب گلوله دوفر دمسلاح کشته شد. وی افزود: براساس اسناد و شواهد، ضاربان از اقوام نزدیک مقتول هستند که به دلیل اختلاف در مسئله از دواج مقتول با یکی از اقوام شی واریا به قتل رساندند. مدیر روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان ادامه داد: براساس تحقیقات پلیس، متهمان این قتل شناسایی شدند و تحت پیگرد قرار دارند.

**سجادپور** - با دستگیری پنج عضو یک باند سرقت توسط کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی، در حالی راز چندین فقره سرقت در مشهد فاش شد که دزدان حرفه ای برای از کار انداختن سیستم های امنیتی به یکی از کارکنان یک موسسه مراقبیتی حفاظتی، مبلغ ۵۰ میلیون تومان پیشنهاد کرده بودند!

رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی با اعلام این خبر به خراسان گفت: در حالی که یک منزل مسکونی چندبار طی یک هفته مورد دستبرد سارقان قرار گرفته بود، این منزل بنا به تقاضای صاحبخانه تحت پوشش نگهبان هوشمند قرار گرفت که این بار هنگام ورود سارقان زنگ هشدار به صدا درآمد و بلافاصله با حضور گشت های نگهبان، این سرقت نافر جام ماند.

### شرور خطرناک بعد از دستگیری مطرح کرد

# قرص روان گردان می خورم!

● **اهل کجایی؟** در شهرستان چناران به دنیا آمده ام ولی از سال ها قبل در مشهد زندگی می کنم.

● **بر اساس محتویات پرونده، آیا شما با چاقو اقدام به**

**ضرب و جرح ماموران انتظامی کرده اید؟**

بعضی از آن مامور ها را من زدم. البته موقعی که سرباز وظیفه چاقو خورد من آن جا بودم اما نمی دانم چه کسی او را با چاقو زد چون تعداد ما زیاد بود!

● **شما به ایجاد رعب و وحشت و عربده کشی هم**

**متهم هستید؟** بله! این را قبول دارم چون مرا تک زدند!

● **شما هنگام درگیری چند نفر بودید؟** سه نفر دیگر از دوستان همراه من بودند که دو نفر از آن ها ساکن چناران هستند.

● **یکی از شاکیان مدعی است که شیشه منزل و**

**خودروی او را در حالی که عربده می کشیدی تخریب کرده ای؟** بله! این را هم قبول دارم. زمانی که شیشه ها را می شکستم خودم تنها بودم کسی همدستم نبود!

● **چرا برای مردم و ناموس آن ها ایجاد مزاحمت**

**می کردی؟**

من برای کسی ایجاد مزاحمت نکرده ام، یکی از شاکیان

سرهنگ بوستانی افزود: در ادامه کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی با توجه به تصاویر ضبط شده سارقان به تحقیق در این باره پرداختند تا این که در دان در پی ارتباط با یکی از کارکنان موسسه حفاظتی برآمدند و مبلغ ۵۰ میلیون تومان را برای از کار انداختن سیستم های امنیتی پیشنهاد دادند اما آن ها زیر نظر غیر محسوس پلیس قرار داشتند و تماس های

زن صیغه ای من بود ولی چون پدرش نمی گذاشت او را ببینم، من هم شیشه های منزل و خودرواش را پایین آوردم!

● **اما شما چند نفر را هم با چاقو مجروح کرده ای؟** بله! چون آن ها چند نفری به من حمله کردند و مرا تک زدند! ● **یکی از اتهامات شما شرب خمر و ایجاد رعب و وحشت است قبول داری؟** نه! من مشرب و نخور دم همه این کارها به خاطر این است که قرص روان گردان می خورم!

● **برخی شاکیان هم از شما به اتهام سرقت و زورگیری شکایت کرده اند در این باره چه می گویی؟** قبول ندارم! من نه زورگیری کرده و نه سرقتی انجام داده ام.

● **می گویند یک قبضه اسلحه کلت کمری هم داری؟** اسلحه کلت کمری داشتم ولی در مشهد نبود، بلکه زمانی که در سیستان و بلوچستان بودم کلت دوستم زدم من بود!

● **اعتیاد هم داری؟** نه!

● **چرا دست به شرارت می زنی و در زندگی مردم**

**اخلال به وجود می آوری؟** نمی دانم!

## تدوین طرح جامع امنیت کویر

پیش بینی های بسیار خوبی برای ارتقای امنیت کویر در سال های آینده شاهد ارتقای امنیت کویر و مناطق مجاور کویر خواهیم بود. وی تصریح کرد: تاکید شده که این برنامه از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در برنامه های سال ۹۸ قرار گیرد و بر این مبنا،

## شرط شوم شاکی برای گذشت از دزدان!

اعتراف های این دو متهم آن ها صبح سه شنبه از زندان به شعبه هفتم دادگاه کیفری استان تهران منتقل شدند و به اتهام سرقت به عنف و مقرون به آزار تحت محاکمه قرار گرفتند.

در آغاز جلسه وکیل شاکی به طرح شکایت پرداخت و سپس متهم ردیف اول در باره اتهامش به قضات گفت: من بیکار بودم. از طریق المیرا، وارد این خانه شدیم و همگی باهم نقشه سرقت را کشیدیم. من اتهام سرقت را قبول دارم اما سرقت به عنف را قبول ندارم. من به زور وارد حریم صاحبخانه نشدم. سپس متهم دیگر پرونده به نام میثم در جایگاه قرار گرفت و گفت: من فقط در سرقت مر حله دوم حضور داشتم و اصلا از سرقت کارت بانکی اطلاعی نداشتم و حالا هم تقاضای عفو و بخشش دارم. مادر میثم در حاشیه دادگاه به قضات گفت: در حالی که من به دنبال جلب رضایت از شاکی پرونده برای پسرم بودم او با مرا جعه به خانه ما پیشنهاد از دواج موقت داد و گفت اگر می خواهی به آزادی پسر ت رضایت دهم باید به عقد موقت من دربیایی. پسر م پیک موتوری بود و از سوی دوستانش اغفال و مرتکب خطا شده است. این گزارش حاکی است، المیرا و دو متهم دیگر پرونده تحت تعقیب پلیس قرار دارند اگر چه شاکی فقط از دو متهم کنونی به طرح شکایت پرداخته است. قضات پس از پایان جلسه برای صدور حکم وارد شور شدند.

طی درگیری با سارقان مسلح

### فرمانده کلانتری ۲۰ دزفول به شهادت رسید

فرمانده انتظامی دزفول گفت: سروان حاجی مراد نادری فرمانده کلانتری ۲۰ دزفول روز چهارشنبه در درگیری با یک سارق مسلح به شهادت نایل آمد. سرهنگ علی الهامی در گفت و گو با ایرنا افزود: ساعت ۱۰ صبح دیروز، فرمانده کلانتری ۲۰ دزفول همراه چند مامور برای اجرای حکم دستگیری یک سارق به محل اختفای وی در مسکن مهر زیباشهر دزفول مراجعه و سارق اقدام به تیراندازی به سمت ماموران کرد. وی بیان کرد: سروان نادری در این تیراندازی هدف اصابت گلوله قرار گرفت و مجروح شد که پس از انتقال به بیمارستان بزرگ دزفول به دلیل شدت

### مسمومیت ۳۰ نفر بر اثر گاز گرفتگی در کرمان

**توکلی** - استنشاق گاز منواکسید کربن ۳۰ نفر را در یکی از تالارهای کرمان راهی بیمارستان کرد. سرپرست اورژانس پیش بیمارستانی و مدیر مرکز مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی کرمان گفت: این افراد شاگما سه شنبه در یکی از تالارهای شهر کرمان در یک جشن تولد حضور داشتند. مصطفی افزود: تمام افرادی که با گاز منواکسید کربن مسموم شده اند، زن بودند و رده سنی این افراد از هشت ماه تا ۵۰ سال است. وی با بیان این که ۲۷ نفر از این افراد توسط عوامل امدادی این مرکز به بیمارستان های افضل ی پور و پیامبر اعظم (ص) شهر کرمان منتقل شدند، اضافه کرد: سه نفر نیز در محل درمان شدند. وی مسمومیت این افراد با مشروبات الکلی را تکذیب و تصریح کرد: حال عمومی افراد مسموم شده با گاز منواکسید کربن مساعد گزارش شده است.

### حوادث

#### در امتداد تاریکی

### مخمصه شوم!

کاش به حرف های دوستانم گوش نمی کردم و در برابر نصیحت های پدر و مادرم سر تسلیم فرود می آوردم. کاش دوستانم مرا دختری عقب افتاده و متعلق به قرن بوق می دانستند اما این گونه همه زندگی و هستی ام در معرض تاراج قرار نمی گرفت. وقتی دوست پسر م را به پستوی مغازه کشاند و ...

دختر ۱۵ ساله ای که به همراه پدرش برای شکایت از جوان لوازم تحریر فروش وارد کلانتری شده بود با بیان این که هنوز از شدت وحشت لحظه ای که در دام جوان شیطان صفت افتادم به خود می لرزم، اشک ریزان به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری پنجتن مشهد گفت: از ابتدای امسال با چند دختر از همکلاسی هایم دوست شده بودم که افکاری متفاوت تر از من داشتمند اما دوستی با جنس مخالف را موضوعی عادی و طبیعی جلوه می دادند و مرا که دختری سر به زیر و محجبه بودم عقب افتاده خطاب می کردند. آن ها که در فضاهای مجازی گروه دوستی به راه انداخته بودند مرا دختری بی عرضه می خواندند که نمی توانم زیبایی و جذابیت ظاهری داشته باشم چرا که نمی توانم توجه پسری را به خودم جلب کنم. آن ها آن قدر مرا مستخره می کردند و نیش و کنایه هایشان آزار می دادند که تصمیم گرفتم جایگاه خودم را در گروه دوستی آن هاپیدا کنم به همین دلیل چادر را کنار گذاشتم و دوستانم را به منزل لمان دعوت کردم تا زیبایی هایم را به رخ آن ها بکشم. اما آن روز وقتی دوستانم از منزل مارفتند پدر و مادر م با دیدن رفتار ها و نوع پوشش آن ها، مرا از دوستی با همکلاسی هایم نهی کردند و به نصیحتم پرداختند که نباید با چنین دخترانی رفت و آمد کنم اما من که تحت تاثیر حرف های دوستانم دچار نوعی لجبازی کودکانه و تقلید کور کورانه شده بودم با بی احترامی پاسخ پدر و مادر م دادم که می خواهم حداقل در انتخاب دوست آزاد باشم به طوری که چند هفته با پدرم قهر کردم.

بعد از آن ماجرا بود که تصمیم گرفتم دوست پسری پیدا کنم تا وقتی همکلاسی هایم از روابط نامتعارفشان با جنس مخالف سخن می گویند من مثل همیشه سکوت نکنم و در برابر آن ها کم نیاورم. در اطراف مدرسه ما فروشگاه لوازم تحریری بود که گاهی برای خرید به آن جامی رفتم و با ابراز محبت های شاگرد فروشنده و به رومی شدم. این موضوع برابیم بسیار خوشایند بود چرا که دیگر می توانستم نزد دوستانم بپردازم و او را به عنوان دوست پسر م معرفی کنم! با آن که مادر م هر روز بعد از تعطیلی مدرسه به دنبال می آمد و مرا تا منزل همراهی می کرد ولی آن روز قرار شد خودم به تنهایی بازگردم چرا که مادر م گفته بود می خواهد خواهرم را نزد پدرش ببرد.

من هم که خوشحال شده بودم بعد از تعطیلی مدرسه از فرصت سوء استفاده کردم و برای دیدار «اتاک» به در مغازه اش رفتم. او که از دیدن ابراز شادمانی می کرد از من خواست پشت پیشخوان بروم تا راحت تر در باره آینده با یکدیگر صحبت کنیم. من هم که با تلقین دوستانم این گونه روابط را «مد» می دانستم وارد مغازه شدم و او به بهانه این که کسی مزاحم گفت و گوی ما ن نشود در مغازه را قفل کرد و سپس با یکی از دوستانش تلفنی تماس گرفت و در حالی که او را به مغازه اش دعوت می کرد، گفت: دختری را به دام انداخته است و او هم می تواند به مغازه بیاید. وقتی فهمیدم در چه مخمصه شومی گیر افتاده ام، جیغ کشیدم و گریه کردم اما او مرا به پستوی مغازه اش هل داد که پایم آسیب دید.

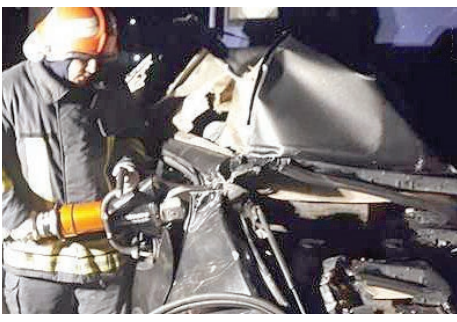
در همین گیر و دار صدای شکستن شیشه های مغازه بلند شد و اتاک هر اسان خودش را به بیرون از مغازه رساند من هم بلافاصله بر خاستم و پدر م را دیدم که با دستان خون آلودش با اتاک در گیر شده است، با دیدن او قوت قلب گرفتم و گریه کنان پدرم را به آغوش کشیدم تا مرا به خاطر این اشتباه هولناک ببخشد چرا که پدر م نگرانم شده بود و در آخرین دقایق تعطیلی خودش را به نزدیکی مدرسه رسانده و از دور مرادیده بود که وارد مغازه شدم و ...

حالا هم از نگاه کر دن به چشمان پدرم شرم دارم. کاش همان روز اول نصیحت هایش را می پذیرفتم. شایان ذکر است به دستور سروان محمد ولیان (رئیس کلانتری پنجتن) رسیدگی به این پرونده در دستور کار ماموران دایره اطلاعات کلانتری قرار گرفت.

**ماجرا ی واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

خبر
<div><div><span><span>●</span></span><span> </span><span>●</span></div><div><span>●</span></div></div>

#### سانحه رانندگی در جاده سمنان – دامغان ۲ دانشجوی دختر را به کام مرگ برد



فرمانده پلیس راه استان سمنان گفت: شب چهارشنبه بر اثر یک سانحه رانندگی در حاشیه محل دایمی نمایشگاه های سمنان که در کیلومتر یک جاده سمنان - دامغان قرار دارد، دو دانشجویان خود را از دست دادند. سرهنگ تقی کبیری روز چهارشنبه در گفت و گو با ایرنا افزود: خودرویی که با دو دانشجوی دختر و پسر تصادف می کند از صحنه متواری می شود و مصدومان به وسیله اورژانس به مرکز درمانی منتقل می شوند. این حادثه در حین برگزاری کسرت محسن ابراهیمزاده خواننده پاپ ایران در محل دایمی نمایشگاه های بین المللی های سمنان که در خارج از شهر واقع شده است، اتفاق افتاد. وی ادامه داد: بامداد دیروز (چهارشنبه) دو دانشجوی مصدوم در یکی از بیمارستان های مرکز استان سمنان جان باخته اند. فرمانده پلیس راه استان سمنان بیان کرد: علت این سانحه بی توجهی راننده به جلو گزارش شده است.